

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ کنایات دانش آموز

ترکیبات کنایی کتاب‌های دبیرستان و پیش‌دانشگاهی

مؤلفان

یوسف چالی تبار شفیعی

علی امیر سلیمانی

جمعی آهنگر سماکوش

چالی تبار شفيعی، يوسف، ۱۳۴۹

فرهنگ کنایات دانش آموز، يوسف چالی تبار شفيعی و همکاران

- راز دانش
- ۱۸۴ صفحه
- فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
- موضوعات: ۱- کنایات ۲- فرهنگ لغات ۳- راهنمای دانش آموز و معلم
- رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ج ۳ / ک ۹ / ۳۳۶۳ PIR
- رده بندی دیویی: ۸۴۳ / ۸۴۰
- شماره ی کتاب شناسی ملی: ۱۱۶۳۸۷۳

شناسنامه ی کتاب

نام کتاب: فرهنگ کنایات دانش آموز

مؤلفان: يوسف چالی تبار شفيعی، علی امير سلیمانی، جمعلی آهنگر سماکوش

ناشر: راز دانش

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپخانه: پیام بابل

طرح جلد: محمد مقیم پور بیژنی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

قیمت: ۲۶۵۰ تومان

مرکز پخش: ۰۹۱۱۲۱۵۱۲۹۰ - ۰۹۱۱۱۱۴۵۶۶۱ - ۰۹۱۱۳۱۳۸۰۶۵

شابک: ۵ - ۲۸ - ۸۳۶۱ - ۹۶۴ - ۹۸۷

به نام خرد بخش بی خرد بخشای

پیش از سخن

بتم بدرقی راه کن ای طایر قدس که دراز است ره قصد من نو خرم (عاطف)

آنچه پیش روی شماست، حاصل ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و به یک تعبیر سال‌ها تلاش و جست‌وجوست که در قالب کتابی عرضه می‌گردد. وجود متون مختلف نظم و نثر از ادبیات گذشته و معاصر در کتاب‌های درسی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی که سرشار از کنایات گوناگون هستند، مؤلفان را بر آن داشت تا با دقت و وسواس علمی فراوان، این کنایات و مفاهیم آن‌ها را در مجموعه‌ای گرد آورند تا همکاران فرهیخته و دانش آموزان عزیز را از مراجعه‌ی مکرر به فرهنگ‌های گوناگون بی‌نیاز سازد. با توجه به عدم دسترسی همگان به منابع مورد نیاز، فراهم آوردن چنین مجموعه‌ای لازم به نظر می‌رسید.

روش کار این گونه بود که ابتدا با مطالعه‌ی تک تک ده کتاب درسی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی (ادبیات ۱، ادبیات ۲، تاریخ ادبیات ۱، تاریخ ادبیات ۲، ادبیات ۳ انسانی، ادبیات ۳ عمومی، آرایه‌های ادبی، زبان و ادبیات فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی، ادبیات اختصاصی ۱ پیش‌دانشگاهی، ادبیات اختصاصی ۲ پیش‌دانشگاهی) کنایات مورد نظر با شواهد شعری یا نثر جمع‌آوری و فیش‌برداری شد. پس از آن با مراجعه به فرهنگ‌های معتبر، معنی و مفهوم مدخل‌ها با توجه به متن مورد نظر نوشته شد. البته شایان ذکر است که مفهوم برخی از کنایات در فرهنگ‌ها یافت نگردید که مؤلفان با توجه به متن، معنای مناسبی را برای آن‌ها ذکر کرده‌اند.

برای مطالعه‌ی این کتاب، آگاهی به روش کار و نشانه‌های اختصاری به نظر می‌رسد:

مدخل اصلی، با خطوط سیاه (Bold) تایپ و معنی و مفهوم آن با خط ریزتری نوشته شده است. پس از آن شاهد مثال مورد نظر، آمده است که مأخذ آن داخل براکت ذکر گردیده است؛ باید دانست عدد یا حروف سمت راست ممیز، مربوط به نام کتاب و عدد سمت چپ آن، مربوط به صفحه‌ی کتابی است که شاهد مثال از آن گرفته شده است. همچنین توجه خوانندگان محترم را به نشانه‌های اختصاری فرهنگ‌های مورد استفاده در این کتاب، جلب می‌کنیم.

ممکن است برخی از خوانندگان، بر کنایه بودن برخی از مدخل‌ها، خرده بگیرند (مثلاً کنایات تک کلمه‌ای یا کنایات صفت و موصوف)؛ برای پاسخ به ایراد احتمالی این خوانندگان، چاره‌ای

نیست جز این که آن‌ها را به خواندن مقدمه‌ی این کتاب و کتاب‌های مرجع دیگر ارجاع دهیم. گرچه اکثر کنایات کتاب‌های درسی از نوع مصدری یا جمله هستند؛ ما نباید از بخش عظیم دیگری از کنایات غافل گردیم که در فرهنگ‌های معتبر کنایات، بررسی شده‌اند؛ بنا بر این خوانندگان محترم را قبل از هرگونه خرده‌گیری، به ملاحظه‌ی این کتاب‌ها دعوت می‌کنیم.

در این جا به مصداق «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» بر خود بایسته و لازم می‌دانیم که به دوستان و همکارانی که در تدوین این مجموعه یاریگر ما بوده‌اند، مراتب سپاس و امتنان خود را اعلام بداریم:

نخست از خانم‌ها، شریف‌تاج، داداشی و پاشای امیری که با صبر و شکیبایی فراوان، در تمامی مراحل کار، یاری‌گران پیوسته و مداوم ما بوده‌اند.

هم‌چنین از استادان ارجمند، آقایان دکتر ابراهیم ابراهیم‌تبار و دکتر احمد غنی پور ملک‌شاه، اعضای هیأت علمی دانشگاه که نکاتی را جهت تکمیل اثر گوشزد نموده‌اند.

سپس از آقای علی رزاقی شانی که با خواندن کل این اثر، نکات بسیار ارزنده‌ای را یادآوری کرده‌اند.

در خاتمه از دوستان و همکاران عزیزی چون آقایان سیدحسن اسماعیل‌پور، مراد رفیعی، محمدمهدی رفیعی، حمیدرضا زرین مهر، نقی عسکری، غفار کاظمی، سیدمحسن مهدی‌نیا و خانم‌ها بدیعی، غلام‌پور و نعمتی که از لطف و برخی راهنمایی‌های آنان برخوردار بوده‌ایم.

در پایان از تمامی فرهیختگان و خوانندگان محترم چشم داریم تا نقایص و کاستی‌های احتمالی این وجیزه را به نشانی انتشارات ارسال نمایند تا در جاب‌های بعدی اصلاح و تعدیل گردد. سخن خود را با حافظ آغاز کردیم و با سعدی بزرگ به پایان می‌رسانیم و بدین ترتیب مراتب عذرخواهی خود را از کاستی‌های اثر بیان می‌داریم:

قبا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار خشوش بود در میان

بهمن ۱۳۸۶ - بابل

یوسف چلی تبار شفیع، علی امیرسلیمانی، جمعی آهنگر سماکوش

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۱۰	نشانه های اختصاری
۱۱	متن اصلی
۱۷۸	منابع و مآخذ

مقدمه

تعریف بیان

در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، «بیان» در لغت به معانی زیر آمده است:

• پیداشدن، هویدا گشتن، آشکارشدن؛

• شرح، تعبیر، توضیح، فصاحت، زبان‌آوری.

و در اصطلاح، راه‌های مختلفی که شاعر یا نویسنده برای بیان مقصود خود انتخاب می‌کند؛ برخی روشن و واضح و بعضی خفی و پوشیده است.^۱

در تعریف «علم بیان» این گونه گفته‌اند:

(الف) این که بتوانیم یک معنی مورد نظر را به شکل‌ها و صورت‌های گوناگون به زبان بیاوریم یا بنویسیم.

(ب) در این شکل‌ها و صورت‌ها گاهی دلالت عقلی بر آن معنی، بسیار روشن و آشکار است و گاهی کمتر و همین بسیار و کمتر بودن روشنی دلالت عقلی، موجب گوناگونی شکل‌ها می‌شود.^۲

اما شاید بتوان ساده‌ترین تعریف «بیان» را از دکتر شمیسا دانست:

بیان، ایراد معنای واحد به طُرُق مختلف است، مشروط بر این که اختلاف آن طرق مبتنی بر تخییل باشد؛ یعنی، لغات و عبارات به لحاظ تخییل (تصویر) نسبت به هم متفاوت باشند؛ مثلاً به جای «صورت او زیباست» می‌توانیم بگوییم: چهره‌ی او مثل ماه یا گل است؛ اما اگر به جای این عبارات اخیر بگوییم صورت او مثل ورد است، بیانی نیستیم؛ زیرا گل همان ورد است و از نظر تخییل، بین آن‌ها تفاوت نیست.^۳

مباحث بیان سنتی، چهار موضوع اصلی «تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه» را دربر می‌گیرد؛ اما امروزه مباحث جدیدتری همانند: سمبل، اسطوره، کهن‌الگو (آرکی تایپ)، تمثیل و غیره را به آن اضافه می‌کنند که البته موارد اخیر در حوزه‌ی بحث ما نمی‌گنجد و می‌توان شرح مفصل آن‌ها را در کتاب‌های «بیان» جست و جو کرد.

آن‌چه در این وجیزه بدان پرداخته‌ایم، یکی از چهار موضوع علم بیان؛ یعنی کنایه است که از نظر قدما آخرین مبحث این علم محسوب می‌شود.

تعریف کنایه

کنایه در لغت عبارت است از تعریض و ترک تصریح و در اصطلاح علمای بیان، استعمال لفظ و اراده‌ی لازم معنی آن است؛ به عبارت دیگر کنایه عبارت است از آن که لفظی را استعمال و به جای معنی اصلی یکی از لوازم آن معنی را اراده کنند؛ مانند «دراز گردن» و «بالاکشیده» در این مثال:

«در این فصول با اشتر دراز گردن و بالاکشیده بگفتند.» (کلیله و دمنه)

در این جا ذکر دراز گردن و بالاکشیده برای معنی اصلی آن نیست؛ بلکه لازمه‌ی آن دو؛ یعنی، حماقت است؛ زیرا در عرف عام «درازی گردن و بلندی قامت» نشانه‌ی حماقت است. دراز گردن و بالاکشیده را در این مثال «مکنی» و حقی را «مکنی-عنه» گویند.^۴

ساده‌تر کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح ادبی، سخنی است که دو معنی داشته باشد؛ یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن و گوینده این سخن را به گونه‌ای بگوید که ذهن شنونده را از معنی نزدیک به معنی دور رهنمون شود؛ مانند آن که بگویند «در جیب فلانی تار عنکبوت بسته» که معنی دور از ذهن آن این است که فلانی آدم خسیسی است.^۵

انواع کنایه به لحاظ مکنی-عنه:

باید دانست که به الفاظ و معانی ظاهری، «مکنی-به» و معنای مقصود و مفهومی را که از آن حاصل می‌شود، «مکنی-عنه» می‌گویند؛ به عنوان مثال، عبارت «زاز خاییدن» به «مکنی-به» و مفهوم آن؛ یعنی، بیهوده‌گویی را «مکنی-عنه» می‌گویند. کنایه از حیث دلالت «مکنی-به» به «مکنی-عنه» بر سه قسم است:^۶

۱. کنایه‌ی موصوف (اسمی)

«مکنی-به» صفت یا مجموعه‌ی چند صفت یا جمله و عبارتی وصفی (صفت و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه) یا بدلی (مضاف و مضاف‌الیه) است که باید از آن متوجه‌ی موصوفی شد؛ یعنی، به طور خلاصه وصف و صفتی را می‌گوییم و از آن

موصوف را اراده می‌کنیم؛ مثل چیستانی که اوصاف چیزی را بگویند و موصوف را بپرسند؛ به عنوان مثال، از بیت‌الرّب (خانه‌ی خدا) متوجه‌ی دل می‌شویم و همین طور مراد از آزاده‌ی تهی‌دست درخت سرو است.

۲. کنایه‌ی صفت

«مکنی‌به» صفتی است که باید از آن متوجه‌ی صفت دیگری «مکنی‌عنه» شد؛ مثلاً، از «بی‌نمک»، «بی‌مزه» و از «سرافکنده»، «خجل» دریافت می‌شود.

۳. کنایه‌ی فعل یا مصدر

فعلی یا مصدری یا جمله‌ای یا اصطلاحی (مکنی‌به) در معنای فعل یا مصدری یا جمله یا اصطلاح دیگر (مکنی‌عنه) به کار رفته باشد و این رایج‌ترین نوع کنایه است. همانند:

دست شستن از کاری: ترک کردن آن کار، کمر بستن: آماده‌ی کاری شدن و...

انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا:

کنایه از لحاظ حیث ارتباط میان مکنی‌به (لفظ یا عبارت ظاهری کنایه) و مکنی‌عنه (معنی و مقصود کنایه) به موارد زیر تقسیم می‌شود:

۱. تلویح

واسطه‌های میان لفظ و معنای کنایه، متعدد باشد و این امر معمولاً فهم «مکنی‌عنه» را دشوار می‌کند؛ مثلاً: ترسوبودن سگ کنایه از مهمان‌نوازی است که مفهوم این کنایه به شکل زیر به دست آمده است:

ترسوبودن سگ ← مانوس بودن با مردم ← رفت و آمد زیاد مردم ← مهمان‌نوازی
تلویح بیشتر مربوط به متون ادبی و کنایاتی است که از قدیم به جا مانده است و در زبان محاوره به کار نمی‌رود؛ چون، فهمیدن آن‌ها دشوار است و باید معنی را از کسی شنید یا به فرهنگ‌های لغت رجوع کرد.

۲. ایما

واسطه‌های میان لفظ و معنای کنایه اندک است؛ از این رو «ایما» عکس تلویح است و در زبان امروز هم به کار می‌رود و به طور کلی رایج‌ترین نوع کنایه است. مثال:
سیرافکندن: تسلیم شدن

به طور کلی «ایما» کنایه‌ای است که به محض شنیده شدن، عقل سلیم آن را درمی‌یابد.^۲

۳. رمز

واسطه‌ها در آن خفی است؛ به طوری که می‌توان گفت اصلاً نمی‌توانیم آن‌ها را دریابیم و در نتیجه انتقال از معنی ظاهر به باطن دشوار و گاهی غیرممکن است و به هر حال فهم مکنی‌عنه دیرپاب است؛ لذا رمز را به عنوان یک نشانه، یک لغت باید تلقی کنیم و معنی آن را بیاموزیم.
مثال: دراز بالا به معنی احمق

کنایه از لحاظ ساختار:

گاهی تصوّر می‌شود که کنایه فقط به شکل جمله یا عبارت‌های فعلی می‌آید؛ در حالی که کنایه علاوه بر جمله و عبارت، به شکل لفظ مرکب (ترکیب وصفی یا اضافی) لفظ مفرد (یک‌واژه‌ای)، دو واژه‌ای یا چندواژه‌ای نیز می‌آید. اکنون برای هر یک از موارد فوق مثال می‌آوریم.

۱. یک‌واژه‌ای

جو: کنایه از مقدار کم و اندک

کم‌آواز هرگز نبینی خجل
جَوی مشک بهتر که یک توده گل
(بوستان)

پیاده: کنایه از عاجز و ناتوان

... تا به وقت گفتار و کردار پیاده نمائی
(قابوس‌نامه)

۲. دوواژه‌ای

ارباب معرفت: عارفان، مردان کامل

هاتف، ارباب معرفت که گهی
مست خوانندشان و گه هشیار ... (هاتف)
و همین طور: فرزند زال، غُلم یزید، اختر سعد و...

ترکیب دوواژه‌ای

لاله‌رو: زیبا

۳. چندواژه‌ای

از پای تا به سر: همه‌ی وجود، تمام بدن

تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم
(سعدی)

به باد رفتن: نابودشدن

بادت به دست باشد اگر دل نهی در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
(حافظ)

۴. عبارت‌های فعلی و جمله

رخت بر بستن: مهاجرت کردن

چو رخت خویش بر بستم از این خاک همه گفتند با ما آشنا بود (اقبال)
این نوع کنایه بیشترین بسامد کنایه را تشکیل می‌دهد؛ مانند: دهان دوختن: سکوت کردن، باد در دست داشتن: تهی دست و بی چیز بودن، سپر انداختن: تسلیم شدن و...

۵. مصرع، بیت

در بیت زیر از انوری «آن چه از او برگ و نوای طرب است» کنایه از می یا شراب است:

برگ‌ریزان به همه حال فرو باید ریخت به قدح آن چه از او برگ و نوای طرب است

کل بیت زیر نیز کنایه از «قدر و منزلت قزل ارسلان» است:

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند

(ظهیر فاریابی)

تفاوت کنایه با مجاز

همان طور که می‌دانیم مجاز، کاربرد لفظ است در غیرمعنای حقیقی؛ بنابراین مجاز را نمی‌توان در معنای حقیقی خود به کار گرفت؛ مثلاً در بیت:

چو آشامیدم این پیمانه را پاک در افتادم ز مستی بر سر خاک (محمود شبستری)

«پیمانه» مجاز از شراب است؛ زیرا پیمانه را نمی‌توان نوشید به همین دلیل در

مجاز قرینه‌ای وجود دارد که ذهن را از توجه به معنی حقیقی باز می‌دارد و به سوی

معنی مجازی راهنمایی می‌کند که به آن «قرینه‌ی صارفه» می‌گویند در حالی که در

کنایه، علاوه بر معنای هنری و کنایی، معنای حقیقی و قاموسی نیز می‌تواند اراده

شود:

بر خوان این جهان زده انگشت در نمک ناخورده، دست شسته از این بی‌نمک آبا (خاقانی)

«انگشت در نمک زدن» کنایه از «شروع به خوردن کردن» اما؛ این ترکیب کنایی در معنی حقیقی نیز می‌تواند به کار رود زیرا؛ رسم بوده است که چون بر سفره می‌نشستند، انگشت بر نمک می‌زدند و بر دهان می‌نهادند.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، تهران: امیرکبیر، چ هشتم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۱۶.
۲. فرغ بیان در آفرینش خیال، دکتر بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر، چ اول، ۱۳۸۱، ص ۳.
۳. بیان، دکتر سیروس شمس‌یا، تهران: فردوس، چ ششم، ۱۳۷۶، ص ۲۴.
۴. آیین سخن، دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران: ققنوس، چ شانزدهم، ۱۳۶۹، صص ۶۲ - ۶۱.
۵. فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی (ج دوم)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶۴.
۶. بیان، دکتر شمس‌یا، صص ۲۶۸ - ۲۶۶.
۷. همان، صص ۷۲ - ۷۱.
۸. فرهنگ‌نامه‌ی کنایه، دکتر منصور میرزانی‌ا، تهران: امیرکبیر، چ اول، ۱۳۷۸، صص ۹۲۴ - ۹۲۰.

نشانه‌های اختصاری

آ	آندراج
فکس	فرهنگ کنایات سخن
لغ	لغت‌نامه‌ی دهخدا
فر	فرهنگ‌نامه‌ی کنایه
فم	فرهنگ فارسی معین
فع	فرهنگ فارسی عامیانه
عا	فرهنگ لغات عامیانه و معاصر
روز	فرهنگ روز سخن
فک	فرهنگ کنایات
صا	فرهنگ اشعار صائب
فش	فرهنگ‌نامه‌ی شعری
۱	ادبیات فارسی ۱
۲	ادبیات فارسی ۲
ع۳	ادبیات فارسی ۳ عمومی
ا۳خ	ادبیات فارسی ۳ انسانی
آرایه	آرایه‌های ادبی
تا ۱	تاریخ ادبیات ۱
تا ۲	تاریخ ادبیات ۲
پع	زبان و ادبیات فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی
ا۱خ	ادبیات فارسی اختصاصی ۱ پیش‌دانشگاهی
ا۲خ	ادبیات فارسی اختصاصی ۲ پیش‌دانشگاهی